

جای اداره کتبا

در بر - غلامحسین کهنانی

ملکرافات و مکاتیب  
باید بعنوان ذیل باشد

فومن - جنگل

براه چهارمربع طبع و توزیع خواهد شد

کتاب نمره قیمت شاهی

# کتابخانه

۱۳۳۵

بمبارخ بوم شنبه ۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۳۶

تخصیص اجرت لوازم و مکاتیب

مخصوصی بادشاه اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نمیشود

در اسرارک بعد از نمره اول

قیمت اسرارک

یکجا ۵۰ تومان

این روزنامه فقط نگامسبب حقوق ایرامیان و متور افکار اسلامیان است

## ماده عهد هشتم

مکتوب نویسنده که خود را متور افکار ملت بزرگی معرفی میکند و قلم دست گرفت بر قدر و خواجه پیشکی و سیاسی دولت خود را در نظر داشته باشد باز هم تا حدی نباید انصاف و وجدان را زیر پا گذاشته بر ضد حیات یک ملت و ملکی سخن سرساید و برای اجرای خیالات و هیاهو عده از زمام داران امور مملکت خود باب سخت و آزار یک قومی مفتوح نماید.

بگ مخرز محافظت کار و یک روزنامه نگار ارتجاعی که اخبارات وجدانی خود را فدای اغراض یک عده مغینه نموده مثل جریده حق سوز مشرق نزدیک همه در استیفاء حقایق و تبصیح حقوق مسئله دیگران سعی باشد بدی است از موضوع مصاحبه تا خارج است مقصود ما کتانی هستند که خود را حامی حریت و طرفدار انسانیت جلوه

واده و دعوی ادبیت میکنند و وظیفه یک ندعی مروت و ادبیت است واضح است برای حفظ منافع غیر خرد دولت خود از این انصاف خارج نشده و در ضمن حال قومی اقدام کند قومی

یک ملت را بی شرف مقاصد تجاوز کارانه حکومت خود را غلبه داده و با هم منافع موجود دولت خود حقوق ثابت ملت دیگر را مال نماید. از بیاد این مقدمه میگذریم و مقاله مندرجه درجید رسکو اسکو را که در شماره قبل و عده مذکوره از داده بودیم مطرح نموده با معذرت و نزاکت کامل بالضروره بمقتضی محترم ما را استوجاب این نکته نموده و قدری با او محاکمه وجدانی کرده و مضیقین حاسس را مصدق بیانات خود قرار میدهم ما هم میگوئیم رسکو و اسکو میگویند جای تعجب است که ما حقوق انبخت خود را تا بر این منطقی فلسفی بلکه حتی باید بیانات نموده و قائمه لایزال کنیم که حفظ حیات و بقای قومیت و صیانت شرافت خود را ذمی حقیق نسیم و دیگران تجاوز خود و تعدی خود میکنند از این خود جلاده اینکه پرده پوشی میکنند بغیر حق میگویند ما را متور قرار میدهند.

ما میگوئیم ایرانی مستقیم باید در مملکت خود برتر زندگی کنیم رسکو و اسکو میگویند با بودن دولت ما حق نداریم در خانه خودمان با بایس زندگی کرده و با اظهار انبخت نمائیم

ما میگوئیم حیات استقلال با باده محفوظ بماند روسکو و اسلو  
 میگوید باید استقلال ولایت شما فدای اغراض جاگیرانه  
 عده از زمام داران باشد .  
 ما میگوئیم جمعیت با برای معالجه در دمای سردان است  
 که آن در دما ایسایگان مهربان برای مائینه گرداند  
 روسکو و اسلو میگوید معالجه در دمای شما مقاصد ما  
 منافعی است .  
 ما میگوئیم اگر مسلح شویم برای مصونیت خانه ما و حفا  
 عرض و ناموس است روسکو و اسلو میگوید قوی می  
 مسلح شوید که مثل بعضی شیرخان ایرانی نوکری را از خنیا  
 و با تفاق و قربانی حرص و طمع بریطانی حش کش کردید  
 ما میگوئیم هر نفس آزاد و مختار است که خود را ادا  
 کرده و از تعرض اغیار محفوظ باشد روسکو و اسلو  
 میگوید ایرانی نباید اداره شده و مملکت خود را از  
 هجوم حش شکنانه میسایگان محفوظ بخوابند  
 ما میگوئیم چنانکه کمر گرفته ایم بطرفی ما از حشر شمارند  
 ما را با ما و گذارند و بخلاف تو این بین الللی با ما  
 رفتار کنند روسکو و اسلو میگوید بنقض بطرفی و سون  
 قشون مملکت شما را بکلی باید خراب و مضمحل نمایم  
 ما میگوئیم دولت مستبده روسیه بجز یک انگلیس  
 ندارد ایر از احوال نظامی کرده برانسان را اسیر بخاورد  
 خود نمرد و حکومت فعلی روس باید گذشته را چربان  
 کرده در آتیه محو است و خوت بر از نماید روسکو و اسلو  
 میگوید حکومت عالی روسیه باید با اثر قدحهای دولت  
 خسته میر کرده همه وقت ایر از افسار تجاورد و  
 اذیت خود نگه دارد  
 ما میگوئیم آنچه وعدهای با جرات حریت پروران  
 روسیه در حفظ ملل مظلوم خصوصاً ایران باید فاشند

بطلومی و بیچارگی ایرانیان ترحم کرده زیاده بر این اس مملکت  
 قدیم را بوجود قشون خود و مد ظلات غیر مشروع در شکنجه  
 عذاب و زحمت جوانی و فارت که ندارند روسکو و اسلو  
 میگوید در شرع بیات با وفای بهبود کفر محض است و  
 شمار حق ضیق تقاضای نیست بلکه اظهار مظلومیت شما  
 و نارامی شما از تجاورد زحمت ایگان مصیان بزدگی خواهد  
 ما میگوئیم همچگاه ایرانیان با دول خارجه خصوصاً دولت  
 روس در مقام خصومت و خلف عهد نموده و خصوصاً  
 با روسی که اسیر روس همه نوع صمیمیت ظاهر نموده و  
 خواهد نمود بالعکس آنها چیزیرا که در باره ما محل توجه قرار  
 نگیرد پسند و فای عهد است .  
 ما میگوئیم دولت عالی روس با در توقف و  
 خود در ایران و اینهمه خواستهای مجید و حصر که هنوز هم در  
 تریه است چه مقصودی است و تاکی باید فرزندان روسیه  
 و نفع کاران با شرفی که بحرکات معشانه خود احوال  
 حریت و روح روسی را تقویت نمیدانند چنانچه  
 در مسلحی که بریطانی حقیقت کشش برای اولاد بشریت  
 کرده قربانی گشته و بران محنت دیده و تعیب این  
 پلنگ پوشیده و چار همه نوع مصائب شود روسکو و  
 اسلو میگوید باید تمام شرب الیه و دیبای بیات بعضی  
 از رجال با را کور کورانه تصدیق کرده ابد آغاز تقیدی  
 نشود که برف یار بر میخورد  
 اگر از جراید محافظه کار ( نو و صبا ) و سرق برود  
 که صدای زشت آنها از غضب خواب الین شویم برآ  
 چنین استنادی میدیدیم با که دولت و دولتنگلی  
 نمیکردیم زیرا مسلک حقه معذی آنها استانی است  
 که در هر سر بازار می است .  
 اما از روزنامه روسکو و اسلو با مسلک خوب

طلبی و دعوی انسانیتش در ذکر میگوید مضامین خلافت  
حقیقت و پارحیرت میثوم

ما چه بد عهدی کردیم؟ در خلافت  
شیاطینی از ما بروز کرد؟ دولت روس که کلام  
عهد خود وفا نمود؟ کدام یک از مواعید  
خود را صاف و قافیه موقع اجرا گذاشت؟

زهی تعجب ناگلی باید گوید می پرچم و پهلوانی  
طلبی نمانیم پس از بر طرف شدن ابرهای تیره استبداد  
و تشکیل دولت مشروطه تا امروز آنچه وعده میگردید  
آزاد با واد و بچیک بجز می نشد سهل است نسبت به  
عهدی را هم با امید بسته به بر این است آن نویسنده  
محترم قدری با ایران مسافرت نموده بچشم خود مشاهده  
کند مظالم و فجایعی را که نظامیان و نمایندگان روسیه  
در ایران مرتکب شده اند و از روی وقت صفحات  
خونین این مملکت بلاکش بی آزار را مطالعه کرده کاملاً  
متحضر شود که ایران برای سوت قشون همایکان بصورت  
خرابیه و دشت ناگلی گردیده

عجبا با نسبت میدهد که با دولت عثمانی  
مشهد هم و با پول الممان و ترک قیام کردیم  
آن نگارنده محترم را در ذکر این جمله چه مقصود می  
اگر وحدت دینانی ما را میخواهد مطرح نماید جای انکار نیست  
زیرا که همه مسلمانیم و متحدین بیک دین برای تبلیغ  
خاطر آن نویسنده محترم تمام ملت ایران نمیتواند از دانش  
اسلامیه صرف نظر نماید از مقصودش از تشکیل نیست  
اتحاد اسلام است مسلم است که تاسیس این اساس  
برای رفع اختلافات جزئیة مذہبی بین تمام مسلمین دنیا  
اختصاصی به دولت عثمانی ندارد در این صورت هیچ  
عاقلمنصفی نمیتواند بگوید که در این امر مقصد سیاسی بود

و یا خواهد بود همه تبعات او مان عالم در رفع اختلافات  
جزئیة دینیة بین خود اگر اقدامی کنسند بی شبهه تقید ما  
بر خلاف انصاف خواهد بود

اما اتحاد پلیسیکی و سیاسی را اگر مقصود داشته باشد  
صریح و واضح میگویم چنانیکه علامه استخارن و او ایم  
برای ما عثمانی و المانی روس و بریطانی نه داشته  
بلکه بار و سیه شتیر در مقام کجیبتی و داد و بوده ایم مملکت  
خود را از تعرض دیگران محفوظ میخواهیم هر که بمانجا دزد  
کرد خصم خود میدانیم هر که با جرمی ز سانسید با او صیغه  
دوست خواهیم بود هر کسی مملکت ما سوت قشون  
نموده بطیرنی ما را نقض نماید او را متعدي و متجاوز خواهیم  
دانست خواه روس و انگلیس باشد خواه عثمانی و المان

قیام احرار ما، نهضت وطن پرستان ما، فداکاری  
خوانان ما، فقط برای خطه بطیرنی دانست داخلی و رفع  
تعرض متعرضین و تقویت جریت و استحکام استقلال  
ما و جلوگیری از فساد و تتریک انگلیس ظالم است  
چنانکه گفته ایم باز میگویم ما را با کسی سر نزاع و جنگ

نیست تمام ملل عالم محبوت است جس بشرا عموماً با وجود  
میدانیم ما اقوال فیلسوف بزرگوار خود را تقلیدیم که میگوید  
بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش یک جوهرند  
چه عضوی بدر آورد و در زنگار و در عضو ما را نماند سزار  
صرف نظر از ذکر سوانح ماضیه از اول قیام جنگلی تا  
الکون کی اقدام تعرض نمود؛ از کدام طرف نامی تمام شد  
بعد از تشکیل دولت و موکراسی روسیه اظهار ماردی  
که نمودند تا امروز که با نظار ایفای مواعیدشان مستم از  
کدام یک نقض عهد ظاهر شد از ما یا از شما؟

ایا در این مدت غیر از بگرنگی و صمیمت حرکتی نمودیم  
بر خلاف عهد قدیمی کردیم؟ ما خود را از ریاد و درو

که شیوه دیپلوماسی های امروز می است مبرامیدیم  
 تا آخرین دقیقه امکان عهد خود ثابت خواهیم بود  
 اما حکومت روسیه آزاد با حفاقه خلف عهد  
 تجامع دوره تراری را تجدید بلکه شدید تر نمود  
 اردویش، قزاقین، پمدان، کرمانشاهان و سایر  
 قطعات ایران بهترین کواهی است که بیچکس را  
 موقع انکار نخواهد بود در همین کیلان در اطراف  
 رشت هنوز قشون روس مرکب افغالی بشوند  
 که اسباب هیرت است

در اخذ قشونولجا باز همان ترتیب خود سرانه  
 سابق باقی است هنوز امتیازات غیر قانونی در  
 جریان بنویستیشین مشرف را که نموده اند  
 نمایندگان روسیه من غیر حق حاکم کرده اند  
 از طاعت دولت قوعثان باز میدارند  
 هنوز دموکراسی روسیه حاضر نشد در این  
 قحط سالی ایران از قشون خود تکلیف کرده است  
 ظاهره را از گرسنگی و بلاکت رهایی دهند تا نیم  
 مردم ایران با کمال حسرت نگاه میکنند که نظامیان  
 مسایگان قوت یومینه آنها را برور و تهدید گرفته  
 اطفال خود رسال در اوسن بدرو ماوار شدت  
 گرسنگی غالب توی کرده قادر نشد مان خود را  
 برای حفظ جان خود که دارند

هنوز اتباع روسیه در ایران از ادای لیاقت  
 دولتی اشکاف کرده بلکه تشبیه بوجدان و  
 اشخاص ردل که بانها اشکال کرده اند از دادن  
 مالیات امتناع دارند هنوز مظالم دوره تراری  
 در ایران بکمال شدت عرض اندام نموده افسوس  
 که ورق پاره مارا کنجایش شرح آنهاست با این

حال بار بار بد عهد میخوانند ما این مظالم این عهد  
 سنگینی ما این تهمت ما این ترانه های دیپلوماسی  
 بدموکراسی یا احرار روسیه هرگز نخواهیم نیت داد  
 زیرا دموکراسی تعدی نمیکند دموکراسی عهد  
 نیت دموکراسی اقوام مختلفه را فرقی نمیکند اردو  
 روح دموکراسی تمام اجراء دنیا را متحد نماید  
 دموکراسی ظالم نمیشود دموکراسی تجاوز به سایر  
 ندارد دموکراسی حامی ضعفاست دموکراسی  
 طرفدار مظلوم است دموکراسی توانمند است  
 مراعات میکند بلکه این همه متاعی که هنوز هم  
 دچاریم از قوه ارتجاع است که در روسیه بازیم  
 کار فرماست بی همان قوه ارتجاع است که کار کار  
 اجراء روسیه را عظیم کرده است ملت با سرفروشی  
 را از فواید حریت محروم نموده این همان قوه ار  
 تجاع است که مثل رجال در بار تراری بازم مرفوح  
 پلنیک خداراه انگلیس شده یونها جوانها  
 گرا بنهای روسیه را فدای مقاصد سود و بارند  
 نماید این همان قوه ارتجاع است که اشغ خورشید  
 دموکراسی را در میان ابرهای لثیف استبداد محشی  
 کرده و مانع است له اولاد روسیه از تربیت آن  
 قطع شوند این همان قوه ارتجاع است که روس را  
 با همه بجران های زبره شکافش حاضریت جنگل  
 انهدام رهایی داده فدای ترور بر بطانی کنند  
 این همان قوه ارتجاع است که بازم ایران را  
 میخواهد جنگال تعدی خود که داشته و بلکه خفتنا  
 آری این زمره ما این نغمه ما همان قوا  
 ارتجاعیه مبراه ما این نغمات ما فخرها س  
 بیجان خود را مرکز نزل نمیکنیم و مطفرت تمام وقام

دموکراسی روسیه را منظور داریم که برای آن منظریت ایرانیان هم از تجاوز و تعرض خست شده با صلاح خرابهای خود مشغول شوند

ما منظور داریم بچنانکه روسیه و فساد انگلیس را کاملاً مسوق شده ایم احراز رویه نیرنی برده و تلفت شوند که انگلیس برای اجرای نیات سوء خود در حال قوه ارتجاع را تقویت نیاید

ما منظور داریم جوانمردان روسیه حکومت خود را بیک قهرمانیت دیگر از این بسیک بی صرفه مصرف داشته و گذارند پیش از این یک ملک بزرگ خراب حق کشی های انگلیس مکار شود انتق

از مکتب وارد

در بعضی نرات جریده فریده جنگل که امروزه تنها روزنامه ایست که بتواند بحال آزادی افکار بدون هیچ قسه ملاحظه قلم آتشین حریت پرور خود را برای حق گوئی و حقیقت نویسی و داد خواهی ستمزدگان ایرانی بچولان درآورد دیده شد که هم ردی و هم آگاه برادران شمالی را با فلک زدگان جنوبی مخصوصاً اهل کرمان که در زبر فشار سر سیمه خون الود اولین فیانکار وطن فردش سرور نصرت یا حاجی صدفان جنوب جان میدهند کوشند فرموده بودند

اگرچه در مملکت ما امروزه دادرسی نیست و امور قضایی بخود گرفتار و پایی بند میاشند که میل با فرصت کوشند دن با نیمه آه و ناله ناد فریاد های جگر خراشیکه از اطراف بلند شده و میشود دارند دولت ایران حکم یک گله گوسفندی بی شان را دارد که در پاسبان بی صاحب و بیس اداره و طعمه گران خوشخور داخلی و خارجی میشود

لیکن بچنانکه مشنوم ولی پسیم که نامهای ما در قلوب انبیا پرور برادران شمالی اترات خود را بخشیده و کلمت برادر خود را که بر نشنگها از آنان دورند فراموش ننمودند

بک قسم تسلیم و دلگرمی برای ما حاصل شود اینست که توسط آن گرامی نامه آزاد نشنرات خود را از احسان مهر پروری برادران شمالی که اساس آن بر پایه مستحکم نوع پرستی و یگانگی ملی گذارده شده است برادران تقدیم داشته امید داریم مجاهدت غرضه جوانمردان ایران پرست یک آینده روشن مشنشی برای این مملکت سیه روز تیره روده کار تهیه نماید

در خانه اسند غا میکنم این مختصر را بنام سپاسگذاری و حق شناسی مادر اولین شماره جریده درج فرمائید از طرف مصیبت زدگان

اخبار شهری

آقای مدیر جریده جنگل متمنی است شخص تشویق و بر محصلین این چند سطر را در آن نامه گرامی درج فرماید وستان فردوسی که قریب دو سال فریم از زنده تا نسبیس آن میگردد در تابستان گذشته موفق شد که در موقع امتحان چهار نفر از اطفال را که تحصیلات شش ساله آنها تمام شده و از عهد امتحان هم بخوبی برآمدند تصدیق نامه داده از مدیر شخص نماید

میرزا غلامرضا پیرشهدی اکبر رحمت الله خان  
پیرنجد الملک میرزا محمد علی پیرشهدی محی بخار  
میرزا محمد علی پیر مرحوم میرزا مهدی

### کوشش محصلین دستاورد افتخرا

مستأقب آنکه روز ع محرم الحرام چنانچه حرمه فرید  
آموزگار شرح آنرا مفضلاً نوشته اند اطفال تقسیم  
بر پنج رابین فقرا کافی دانسته و در صد و صبع وری  
اعانه بیامند بعد از در ششم محرم از بعد از ظهر بود  
ساعت از شب گذشته در کاروانسرا با مجالس  
خوانی دار شده پس از خواندن نطقی که رایج بود  
با عانت و دستگیری ضعیفا صدوق اعانه را که بر  
داده بودند در نزد هر یک از حاضرین برده ای تم  
با کمال میل هر یک مبلغی در آن صدوق بخش  
از خرم گردش صدوق بار در حضور آقای غایت الله  
خان گاننده محترم بنت مقدس اتحاد اسلام و چه  
تفراتایان دیگر باز کرده و مجموع عایدی را با یکدیگر  
توانستند که تجار سرای حاجی میرزا احمد بزرگ تخیل  
نمودند و بالغ بر دویست و شصت تومان میشد  
در نزد آقای حاجی رضایتیس مطبوع بود بعد گذرد  
که پس از انقضاء ایام تفضل تصویب بلدیة بن فقرا  
تقسیم شود

امید است رجال و ارکان مملکت هم تاسی  
باین خور و سالان نموده اسباب آسایش گشت  
آواره شدگان از وطن را در این مخط سالی فراهم  
آرد که بیش از این در کج خواهر امام و خرابها مجال  
امضائی از کرم سنگی تلف نشوند

### جنگل

در شماره ۱۳ جنگل شرحی راجع بر عایت فقرا کرد  
قد و چانی در مجالس روضه و صرف و جو آن  
برای این اشخاص ذکر می شده بود مظهر بودم  
که بیانات ماحسن از بنجیده مردم کا ملا می سرزد که  
احیای نفس بهتر از بعضی پذیرانی های غیر مستحبت  
خوشبختانه از درار اطلاع می که پیدا کرده ایم اما ای کاش  
که باید رفتارشان سر مشق سایر نقاط باشد و این  
تقصیه مشغول دادن نمانشی هستند که منصفانه باید  
ترقی معکوس را در باره آنها معتقد شویم چانی را  
ظاهر آزرک کردند بجای او دو شیوه مرضیه  
معمول باشد است

اولاً میبایست در زاویه دکان مانند درستی  
اطاقهای خودشان در کمال رسالت بی آنکه  
بفهمند بجز و خود و همه چیز خیانت میکنند باقد  
ند اقلابا شکر چانی را صرف بنمایند  
ثانیاً در مجالس روضه و این چنین باشد بود  
میدهند در این رویه نمیدانیم آقا با چه مقصود  
دارند که را میخواهند فریب بدهند خدا را با  
یا خودت نیز چانی که گناهی نگرده بود باز چانی از  
لایحان هم عمل میباید اما در چنین نقطه مخصوص  
هند وستان است و ما با دولت و ملت و ملت  
طرف نمودیم که قدر و کس را ترک کرده دارد  
وقد و شکر انگیز را بجای او استعمال کنیم بجز  
مقصود ما این نبود که قد و شکر باین گرانای صرف  
نشد و از این اسراف بهوده دست کشیده  
قیمت او را بنام دیانت و انانیت با بنام  
خود نماند همان در چنین

ن

با قدر و شکر ابراز میکنند باین بجا رگان و درختانیکه  
 سرگذرد راه با مالک تریب تا نفس زندگی میکنند  
 به پند از این خوش مزه گی ها یک بعضی از اهالی  
 میمانند معلوم میشود که در کارهای خیر و حتی در صرفه  
 جانی خودشان هم باید با الاجبار اقدام نمایند  
 بیک نفر شمع روضه یک فغان دارین  
 دادن بهتر است یا با قیمت همان یک فغان  
 یک گرسنه را از پلاک زمانی دادن بهتر خواهد بود  
 خوشودی خدا در سول و حضرت شید الشهدا  
 اروا خافده در رعایت فقرا و اعیان نفوس  
 محترمه انسانی است نه در صرف دارین و شکر  
 بگذرانند بلکه در این حالی که قحطی تمام ازلین  
 را بقضا تهدید میکند خداوند کیسایان را در ارباب  
 نریب نعمت نموده و این بجا رگانیکه ترک فغان  
 گفته و بمت ایشان التجاره متوجه شده است بحال  
 مساعدت را ظاهر نموده و سر حدیث شریف  
 علیکم بار الرزق انما شکار سارند  
 هر که ظلم کند بد است  
 همچنانیکه هبت اتحاد اسلام بسیره در وین  
 سایر احرار حاضرینت که مالک بر رعیت ظلم  
 نماید همچنین ظلم رعیت را با مالک جایز نمیداند  
 مالک از رعیت مال الاجاره ملک خود را  
 مطابق قانون مقدس اسلام و حق است  
 اضافه حق ندارد و بگوید رعیت هم باید بر طبق  
 همان قانون حقوق مالکیت مالک را ادا  
 نموده حق تجارز داشته باشد از گوشه کنار  
 شنیده میشود که امسال رعایا به بهانه سوخت  
 خیال دارند با مالکین رفتار غیر عادلانه نمایند

لازم است عموم رعایا را متوجه باین مسئله نمایم که  
 ظلم از هر کسی بر در کرد قبیح و منفور است مالک باشد  
 یا رعیت نه از باب حق تجارز و در از رعیت  
 مستما از بعضی بی تربیتی ها که بالاخره متخیر بهرج و  
 مرج میشود جدا جلوه گیری خواهد شد

توضیح

آقای کارگذار در مسئله اقدام آقای حاج میرزا جواد  
 مجتهد و اموال مفاخر الملک توضیحی با اداره فرستاد  
 که برای ضیق صفحات این شماره در جیب ایشان  
 آیه محول بنمایم

راه شوشه سیر بازار

اداره راه شوشه که ملزم بدائر نگاه داشتن راه  
 و ساختن پلهای مخروبه است  
 مدتی است از جوانی پل وسط راه گذشته  
 در ساختن آن اقدامی نه نموده برای اینکه تجار  
 متاصل شده بارها این غیر قانونی سیر بازار  
 محل مال التجاره نمایند  
 از فعالیت آقای کارگذار اقدام جدی این  
 مسئله را انتظار داریم

باز هم معذرت

برای اصلاح نواقص مطبوعه و اخیر در تهیه لوازم اصلاح آن  
 بجهت طغیان آب و شدت باران طبع روزنامه تا بنابر  
 افتاد ما از عموم مشترکین معذرت خواسته از خداوند  
 توفیق میخواهیم که در آیه مرتباً مطابق وعده که دادیم عمل نمایم

تشکر

جریده شریفه فیه از مطبوعه کرمانشاه که جذبی است  
 رونق جدیدی بعالم مطبوعات بخشنده جریده جنگل تقریر  
 نموده بسیار تشکر گفته و تعجب میجویم کارکنان آن گرامی جریده را  
 خواستاریم

چرخد پرند

خدایا به وطن رحم کن

در ازمن

در ازمن کسی است که اقدامات شمعان پلین جنوب  
را با هم راند امری با افسرهای انگلیس در کرمان  
و انار راه یزد و دوج با تخمین و تعظیم می بیند ولی در  
جنگل گیلان پول این الدوله را نمی بیند که چه می خرد

بیرد

پول این الدوله

مصرف پلیس جنوب می شود تا وطن را حفظ نماید

شاهنشاهی

یک قطعه از وطن است که برایت این الدوله  
اداره می شود

بی تکلیف

رژمانه جنگل است که در خدمت و داعی حضرت است  
سپهسالار اعظم و سایر بزرگان وطن مخصوصاً فرماندهان  
و سردار حضرت که در قسمت جنوب نظرشان بنگاربری  
وطن است خود در می میکند

وحشی

در این بیانی نیستند که برای حفظ شرافت وطن پلیس جنوب  
نیستند

مغزیه

هر خرابی را با بادی نرم می کنند ولی گامی به آبادی و ترمیم خرابی  
و اسی نر الساده  
حضرت حضرت امیر آقای وثوق الدوله در هم ملکات  
و گامی به حاضر است تا چاره وطن بهم باید معالجه شود

در لویه تجویز... باشد  
طبقه گناه

اکتشاف

بطوریکه تحقیق کرده ایم و به تجربه رسیده ام در زمزم هر چه  
فقط منحصر بوجود آقای وثوق الدوله است در فقدان  
وجود مقدس کار وطن بیچاره چه خواهد شد

حافظ وطن

پلیس جنوب است که وطن با و افتخار میکند

مسترد

جنگلی هستند که پلیس جنوب می شوند نه قزاق شمال

رفع اشتباه

سالهاست که جراید جمعی از محترمین مملکت را خائن و از  
فرزندان با خلف وطن معرفی نماید از قبیل

پیر روشن ضمیر آقای امیر کبیر حضرت امیر و اهل انظار

دیگانه پیلو ماسی ایران ناصر الملک ایضا حضرت امیر شرفیه

اعظم و بکذا جناب وثوق الدوله و همچنین حضرت  
والا فرمائنا و غیره

خدا رحمت کند علی محمد خان امیر بهادر قوام سیراز هر چنانک  
آنهاست عمر سردار حضرت باشد اینها قابل تذکره نیستند  
حالا کشف شد که تمام از عرض بوده و اینها شب و روز  
مراقب حفظ وطن و در وطن در عرض حقوق ایشان را در

تعلی کلاه نقی سر

یعنی کلاه وزارت و حکومت است که متصل با هم  
بباید می شود هم

مزمز

جناب حاج معاذ خاکیه دوله است که دو ماه بعد از  
خود حقوق آتیه را ملگرافتی از اداره مالیه گیلان  
مطالبه دارد هم

کم روتر

نور جهان سپید که مثل پوستین از قلند رنگد رنگد